

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَّقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

هنر؛ ماهیت هنر

شناسنامه مطلب	
m-h-36	کد مطلب
هنر و رسانه / اصول و مبانی هنر / هنر از نگاه امام خامنه‌ای	رده
هنر، زیبایی، فطرت، اخلاق و هنر، زیبایی شناسی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

حقیقت هنر

حقیقت هنر - هر نوع هنری - یک عطیه الهی است. اگرچه بروز هنر در چگونگی تبیین است، اما این، همه حقیقت هنر نیست؛ پیش از تبیین، یک ادراک و احساس هنری وجود دارد و نکته اصلی آن جاست. بعد از آن که یک زیبایی، یک ظرافت و یک حقیقت ادراک شد، از آن هزار نکته باریکتر ز مو که گاهی آدم‌های غیر هنرمند نمی‌توانند یک نکته‌اش را هم درک کنند، هنرمند با همان روح هنری و با آن چراغ هنر که در درون او برافروخته شده است، ظرایف و دقایق و حقایق را ابراز می‌کند. این می‌شود هنر واقعی و حقیقی که ناشی از یک ادراک و یک بازتاب و یک تبیین است.^۱

هنر یعنی زیبایی

هنر چیز برجسته‌یی است و محتاج تعریف نیست. هنر مثل زیبایی است؛ احتیاج نیست کسی از آن تعریف و تمجید بکند. اگر تعریف هم بکنند یا نکنند، به هر حال زیبایی، یعنی زیبایی، یعنی نقطه‌ی مقابل زشتی. هنر، به هر حال برجستگی است، زیبایی است، آفرینندگی است، از مقوله‌ی ابتکار و خلق است. درعین حال، اگر ما بخواهیم همین هنر به طور مضاعف ارزش پیدا کند، باید آن را در خدمت هدفهای صحیح قرار بدهیم.^۲

هنر مخلوق برجسته خدا

هنر جزو برجسته‌ترین مخلوقات الهی است و جزو ارزشمندترین صنوع پروردگار است، که باید آن را ارج گذاشت.^۳

۱. بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱

۲. بیانات پس از بازدید از نمایشگاه فرش ۱۳۷۰/۸/۲۹

۳. بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۲/۲۸

هنر مظهر زیبایی

پس شاید بشود این‌طور گفت که هرچه توصیف هنر، دقیق‌تر و ریزتر و زبانش رساتر و بلیغتر است، حوزه و گستره شعورش نیز محدودتر است؛ اما هرچه که زبانش به ابهام نزدیک‌تر باشد، حوزه‌اش هم وسیع‌تر است. علی‌ای حال هنر، مظهر زیبایی است. بیان زیباییها و توصیف تخیلاتی است که انسان از زیبایی در ذهن خودش دارد.^۱

هنر جلوه زیبای خلقت

بعضی خیال می‌کنند هنر مساوی است با لابلایگری و بیدینی و بیندوباری؛ این غلط است. هنر از جلوه‌های زیبای خلقت الهی است در انسان. آنچه در هنر ایراد دارد و اهل بصیرت همیشه ایراد گرفته‌اند، جهت غلط هنر بوده است. هنر را کشاندن به جهت اغوای انسان و بیندوباری انسان، این بد است؛ والا هنر اگر با روح دین، با جهتگیری دین باشد، از برجسته‌ترین پدیده‌های وجود انسانی است. امروز هم بحمدالله همین جور است. امروز شاعر ما، نقاش ما، انواع و اقسام رشته‌های هنری ما، انسان وقتی نگاه میکند، میبیند غالباً با روح دین و تدین کارشان همراه است. چه اشکالی دارد؟ ما اگر چنانچه مرکز تربیت هنری و تقویت هنری در اینجا داشته باشیم، با حفظ این جهتگیری درست، این خیلی خوب است؛ این هیچ ایرادی ندارد. از این استعداد عظیم در این جهت استفاده شود، خیلی خوب است.^۲

فطری بودن گرایش به زیبایی و زیباسازی و زیادوستی

اصل گرایش به زیبایی و زیباسازی و زیادوستی، یک امر فطری است. البته این شاید با مقوله نوگرایی مقداری تفاوت کند. نوگرایی امر عامتری است. این مسأله آرایش و لباس و چیزهایی که شما گفتید، مقوله خاصی است که انسان - بخصوص جوان - از زیبایی و زیباسازی خوشش می‌آید و دلش

۱. گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان ۱۳۷۶/۱۱/۱۴

۲. دیدار مسئولان اجرایی استان فارس با رهبر انقلاب ۱۳۸۷/۲/۱۸

می‌خواهد که خودش هم زیبا باشد. این عیبی هم ندارد؛ یک امر طبیعی و قهری است؛ در اسلام هم منع نشده است. آن چیزی که منع شده، فتنه و فساد است.^۱

عدم منافات اخلاق و هنر

من مطلبی را - به گمانم - از قول «رومن رولان» خواندم که گفته بود در یک کار هنری، یک درصد هنر، نودونه درصد اخلاق؛ یا احتیاطاً این‌گونه بگوییم: ده درصد هنر، نود درصد اخلاق. به نظر من رسید که این حرف، حرف دقیقی نیست. اگر از من سؤال کنند، من می‌گویم صددرصد هنر و صددرصد اخلاق. اینها با هم منافات ندارند. باید صددرصد کار را با خلّاقیت هنری ارائه داد و صددرصد آن را از مضمون عالی و تعالی‌بخش و پیشبرنده و فضیلت‌ساز پُر کرد و انباشت.^۲

هنر نباید موجب انحطاط و فساد و ابتذال اخلاقی شود

این زیبایی و زیباسازی، بایستی موجب این نشود که در جامعه انحطاط و فساد به وجود آید؛ یعنی ابتذال اخلاقی نباید به وجود آید. چگونه؟ راه‌های مشخص است. اگر ارتباط بی‌قید و شرط و بی‌بندوباری در روابط زن و مرد وجود داشته باشد، این موجب فساد خواهد شد. اگر به صورت افراطی به شکل مُدپرستی درآید، این به فساد خواهد انجامید. اگر این مقوله زیباسازی و رسیدن به سر و وضع و لباس و امثال اینها، مشغله اصلی زندگی شود، انحراف و انحطاط است؛ مثل این که در دوره طاغوت، آن خانمهای اعیان و اشراف، پشت میز آرایش می‌نشستند. فکر می‌کنید چند ساعت می‌نشستند؟ شش ساعت! این واقعیت دارد و ما خبرهای دقیق داشتیم که شش ساعت می‌نشستند! یک انسان، این مدت برای آرایش صرفِ وقت کند که می‌خواهد مثلاً به عروسی برود و موی سرش را، یا صورتش را این‌طوری درست کند! اگر کار به این شکل درآید، انحراف و انحطاط است؛ اما فی‌نفسه، رسیدن به سر و وضع و لباس، بدون این که در آن خودنمایی و تَبَرّج باشد، عیبی ندارد.^۳

۱. بیانات در دیدار جمعی از جوانان ۱۳۷۷/۲/۷

۲. بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱

۳. بیانات در دیدار جمعی از جوانان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷